



عکس آرشیوی است

فعالیت‌های یادگیری

پیوند عرصه‌ها و عناصر یادگیری

روح‌اله رضاعلی

آگاهانه تغییر کرده است تا زمینه‌های تقویت و توسعهٔ روحیهٔ پرسشگری، پژوهشگری، خلاقیت و حتی کارآفرینی در آن‌ها فراهم شود. همچنین، خانواده‌ها در آموزش نقش و هویت جدیدی پیدا کرده‌اند. اگر نگاهی به «اصول ناظر بر برنامه‌های درسی» (صفحهٔ ۹ سند برنامهٔ درسی ملی) داشته باشیم،

هدایت دانش‌آموز برای خود یادگیری، خودارزیابی و اساساً استقلال نسبی در یادگیری چقدر مهم است! دانش‌آموزان در این موقعیت جدید (آموزش مجازی و غیرحضوری) ناخودآگاه به سمت خودیابی، خودباوری و خودارزیابی حرکت می‌کنند و اساساً شرایطی فراهم شده است که نقش آن‌ها به نقش‌های فعال، داوطلبانه و

در پی مطالب شماره‌های قبل، یکی از خوانندگان مجله تماس گرفت و چند دقیقه‌ای باهم گفت‌وگو کردیم. خیلی صریح می‌گفت: «حرف‌های زده شده چقدر کلی هستند؟ گویا دریچه‌ای برای عمل نیست!» ایشان تا حدودی درست می‌گوید، اما شرایط کرونایی حداقل این را ثابت کرد که نقش محوری معلم در

	خود	خالق	خلق	خلقت
تفکر				
ایمان				
علم				
عمل				
اخلاق				

دانش‌آموز و خانواده از اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی هستند که باید از سطح ملی تا سطح مدرسه به آن توجه کرد. شاید گفتن حرف‌های سند از حوصله ما خارج باشد، اما همان‌طور که پیشتر مرور کردیم، همه ما برای مؤثر بودن و همچنین عمل‌گرا بودن، نیازمندیم بدانیم دقیقا در چه مختصاتی اقدام می‌کنیم.

امروز مدیر، معلم و حتی کارشناسان اداری و اجرایی و خانواده‌ها نیاز دارند از مسیر و اهداف تربیت تصویر مشترکی داشته باشند تا اقدامات و عملکردها در آموزش و تربیت دانش‌آموزان متفاوت و متضاد نباشند و موجب اتلاف منابع و حتی تعارض در دانش‌آموزان و مخاطبان نشود.

بنابراین، همه نظام‌های آموزشی، از برنامه‌های رسمی ملی تا برنامه‌های درسی مدرسه (برنامه ویژه مدرسه) باید بدانند اهداف آموزشی و تربیتی چگونه شناسایی یا تدوین می‌شوند. و این اهداف در نهایت کدام نقطه نهایی را نشانه گرفته‌اند؟

در نظام آموزش و پرورش کشور ما که جهت و هدف مسیر تعالی، مبتنی بر مبانی دینی و ملی تدوین شده است، اهداف چگونه می‌خواهند محقق شود؟ و اساساً در برنامه‌های درسی و طراحی‌های آموزشی، اهداف هر محتوای آموزشی (کتاب‌های درسی) چیست؟ وقتی یادگیری براساس موقعیت‌ها شکل می‌گیرد و باید براساس استعدادها ذاتی دانش‌آموزان مانند کنجکاو و حقیقت‌جویی (فطرت) تعریف شود، الگوی هدف‌گذاری و ویژگی‌های خاص

این نوع یادگیری چگونه است؟ درس دوم کتاب فارسی ششم ابتدایی با عنوان «پنجره‌های شناخت»، درسی بسیار جذاب است. در این درس وضعیت کلاسی ترسیم شده که معلم آن‌ها را به پنج گروه تفکر، ایمان، اخلاق، علم و عمل تقسیم کرده و از گروه‌ها خواسته است بر سر فهم و ارتباط کلمات «خود، خلق، خلقت و خالق» گفت‌وگو کنند و نتیجه را در کلاس ارائه دهند.

پاسخ گروه‌های کلاس بسیار جذاب و شیرین است. البته همه معلمان پایه ششم می‌توانند در کلاس خودشان این گروه‌ها را تشکیل دهند و پاسخ‌های متنوع دیگری از بچه‌ها بشنوند.

اگر معلم فعالیت‌های پایانی درس را به‌خوبی طراحی و مدیریت کند، شاید بتوان گفت ما عالی‌ترین هدف تعلیم و تربیت را به روش غیرمستقیم، به دانش‌آموزانی که در ابتدای شکل‌گیری هویت هستند، آن هم در بستر زبان و ادبیات فارسی، ارائه کرده‌ایم.

«ما هم برای کشف و شناخت بهتر زیبایی‌های آفرینش باید به تفکر درباره خود، خلق، خلقت و خالق بپردازیم، خوب و دقیق نگاه کنیم، گوش بدهیم، بسیار بخوانیم و درباره دیده‌ها، شنیده‌ها

و خوانده‌ها بپرسیم و از پرسیدن نهراسیم» (فارسی ششم ابتدایی، درس دوم، صفحه ۱۶ - ۱۳۹۹).

در تمامی کتاب‌های درسی، اهداف با توجه به موضوع خاص آن رشته علمی یا موضوع درسی ترسیم می‌شوند؛ اهدافی که از تلاقی عرصه‌ها (خود، خالق، خلق و خلقت) و عناصر (تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق) شکل می‌گیرند تا مفهوم انسان رشد یافته، انسان کمال یافته و انسانی را تفهیم کنند که در این زندگی و زیست دنیایی، بخش‌هایی و اساساً رتبه‌هایی از زندگی پاک (حیات طیبه) را طی می‌کند.

براساس آنچه بیان شد، هدف یادگیری که قصد و منظور معلم از انجام فعالیت‌های آموزشی را می‌رساند، تلاقی همین عرصه‌ها و عناصر را نشانه گرفته است. دانش‌آموزی که متفکر است، با ایمان و با اخلاق است و در موقعیت‌های گوناگون توانایی درک موقعیت و اصلاح آن را دارد. این دانش‌آموز نسبت به وجود خودش (جسم و روح) و آفریدگار، هم‌نوعان خود و همچنین خلقت، به معنای کامل هستی، آگاهی دارد و در عمل در مواجهه با آن‌ها خود را مسئول می‌داند.